



تاریخچه روابط ایران و فرانسه

بمناسبت تشریف فرمائی جناب ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه بایران از طرف سفارت کبرای فرانسه در ایران ، مجموعه ها و رسائل و تصاویری مربوط به شهر زیبای

پاریس و کشور فرانسه و احوال رئیس جمهور و خانم وی به دسترس اهل ادب گذاشته شده که همه خواندنی و دیدنی است .

ایرانیان به فرانسویان بستگی و محبت خاص دارند چه از دیرباز رشته ممنوی این دو ملت استواری داشته است . از آغاز پیدایش فرهنگ نوین در ایران تنها زبان فرانسه در مدارس تعلیم می شد ، ولی از سی سال پیش زبان انگلیسی جای آنرا گرفت و اکنون میتوان گفت تدریس رسمی این زبان لطیف شیرین متروک مانده است .

با اینهمه فعالیت های معنوی قطع نشده . انستیتو ایران و فرانسه در چاپ نسخه های قدیمی فارسی و تشکیل کلاس های درسی اهتمام می درخور تحسین میفرماید ، و علاقمندان بادیات فرانسه که بازماندگان مدارس سی چهل سال پیش اند هنوز از تعلم و تعلیم دست نکشیده اند . این دبلیستگی و طرفه است زیرا شرق شناسان و استادان فرانسوی نیز در تدریس و ترویج زبان فارسی اهتمام دارند که از آن جمله است جناب پروفسور لازار استاد کرسی زبان فارسی در دانشگاه پاریس که اخیراً به طهران تشریف آورده اند و سعادت مصاحبت آن جناب را دریافته ایم .

در تاریخ روابط ایران و فرانسه کتابها می توان نوشت ، این مقاله با اینکه مختصر است راهنمایی برای اهل مطالعه خواهد بود . (مجله یغما)

آغاز روابط ایران و فرانسه

ایران کشور فلسفه و شعر و ادب و سرزمین لطف و صفا برای اولین بار در اثر کوششها و تحقیقات علاقمندان بتاریخ و باستان شناسان و هنرمندانی که برای آشنائی با این کشور دوردست تهران و اصفهان و شیراز سفر کردند با فرانسه ارتباط پیدا کرد .

نوئی چهاردهم بانی روابط فرانسه و ایران

از قرن هفدهم در زمان سلطنت شاه عباس کبیر که مهمان نوازی اش شهره آفاق بود کیشها و مسافرین فرانسوی بایران آمدند و اولین اطلاعات دقیق را درباره این کشور باستانی همراه خود بفرانسه ارمغان آوردند . محققین تا آن زمان ایران را از نوشته های گزنفون مورخ معروف یونانی می شناختند . در پاریس در مدرسه « زبان برای جوانان » که در سال ۱۶۶۹ توسط کبیر تأسیس شد یک کرسی بزبان فارسی اختصاص یافت . مکتشفین اولیه کم کم به یک تمدن ناشناخته برخورد کردند . برنیه دکتور در طب از دانشگاه مونپلیه و فیلسوف پیرو مکتب گاساندی و زان-

با هیتت تاورنیه که سفرنامه‌اش در سال ۱۶۷۹ منتشر گردید در سالن‌ها و ضیافت‌های پاریس از عادات و رسوم و ذوق لطیف ایرانیان سخن گفتند. از همه مهمتر شوالیه ژان شاردن است که از پروتستان‌های مهاجر بود و در انگلستان و سپس در هلند زندگی میکرد. آثار او همه حکایت از آشنائی کامل وی به تاریخ و ادبیات و رسوم و عادات ایران میکنند. وی مینویسد: «بعقیده من هیچ کشوری در قاره اروپا وجود ندارد که در آن برای علم و دانش باندازه کشور ایران قدر و منزلت قائل شوند و در پی کسب آن باشند». نامبرده قسمتهای زیادی از گلستان شاهکار سعدی را ترجمه و منتشر کرده است. پس از آن مونتسکیو و لوساز و ولتر و بسیاری از نویسندگان دیگر اطلاعات ذقیمتی از آثار او بدست آوردند. ژان لافونتن هم آشنائی به آثار بیدبای را مدیون برنیه است که در خانه مادام دولاسابلر با وی آشنا شد.

پس از ماجراهای مبتذل آقای فابر «سفر کبیر» لویی چهاردهم که رفتارش مورد استهزاء روزنامه‌های آن زمان قرار گرفت اولین دیپلمات فرانسوی که با ایران آمد آقای میشل بود. نامبرده در سال ۱۷۰۸ در شهر اصفهان قرار دادی امضاء کرد که بموجب آن بازرگانان فرانسوی از پرداخت مالیات معاف شدند و از آزادی مذهب برخوردار گردیدند. این قرارداد ظاهراً اولین قراردادی است که در تاریخ روابط سیاسی بین ایران و فرانسه منعقد گردیده است. بدنیال این قرارداد سفیری از دربار ایران بنام محمدرضا بیگ بفرانسه رفت و مورد استقبال باشکوه دربار لویی چهاردهم واقع گردید.

ایران فلاسفه

در قرن هجدهم دیگر محافل ادبی فرانسه تنها ایران را بصورت کشور شعرا و سرزمین داستان‌های «هزارویکشب» نمی‌شناختند بلکه ادبیات و تمدن ایران و جنبه آزادمنشی و علو طبیعی که در آثار ادبی این کشور بچشم میخورد مورد توجه قرار گرفته بود. سلطان روشنفکری که مورد ستایش ولتر قرار گرفته انسان‌را بیاد وزرای خردمند و سلاطینی چون انوشیروان عادل میاندازد که ذکر آنها در گلستان سعدی رفته و پند و اندرزشان ظلم و تعصب را محکوم کرده است. سعدی گوید:

«سه چیز بی سه چیز پایدار نماند مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست.»

دانشمندان آن عصر در آثار سعدی و فردوسی در جستجوی سیمای آن فیلسوف و عارف وارسته‌ای هستند که سلطان بهوی مهر می‌ورزد و به پندهایش گوش فرا میدهد و از عقل و منطق سلیم پیروی میکند. ایران در آن زمان در ذهن دانشمندان فرانسوی بصورت یک کشور ایدآلی درآمده بود که در آن عقل و خرد شرقی با تمام شکوه و اعتدالش دور از تعصب و سختگیری مذهبی و برکنار از مأمورین سانور شکوفا بود. ولتر در کتاب «رسوم» و در «داستانها»ی خود (مثلاً زادبگه) زردشت را بعنوان استادی خردمند می‌ستاید و از کتاب زند و پیروان زردشت به نکوئی یاد میکند. مونتسکیو هم در اثر مطالعه سفرنامه شاردن با ایران آشنا شد. نامبرده برای نگارش کتاب «نامه‌های ایرانی» که در اوان جوانی در کتابخانه کاخ برد نوشت کلیه اطلاعات خود را از شاردن گرفت. منظور مونتسکیو از تصنیف این «نامه‌ها» تهیه یک اثر تاریخی صحیح و دقیق نبود بلکه هدفش این بود که عقاید خود را درباره مذهب و سیاست و فلسفه مطابق ذوق خوانندگان عصر خود که مشتاق شناختن رسوم و آداب مشرق‌زمین بودند برشته تحریر در آورد و در ضمن حس کنجکوی ایشان را نیز تحریک نماید. دیدرو هم که همیشه کوشش دیگران را طرفدار عقاید خود جلوه دهد ادعا کرده که سعدی طرفدار عقاید انسیکلوپیستها بوده است.

نایپلئون

قرن نوزدهم را میتوان قرن نایپلئون و رمانتیک‌ها دانست. نایپلئون که به منتهای قدرت رسیده بود باین فکر افتاد که ایران را نیز در نقشه‌های خود برای گرفتن هندوستان از چنگ

انگلیس وارد نماید. در سال ۱۸۰۷ در مقر فرماندهی خود در پروس شرقی سفیر فتحعلی‌شاه را بحضور پذیرفت. شاه ایران در آن زمان با توسعه‌طلبی روس‌ها دست‌بگریبان بود درمعاذیه‌ای که روز ۴ ماه مه ۱۸۰۷ در قصر فنکشتاین بامضاء رسید طرفین بر اساس زیر توافق کردند، فرانسه از تمامیت ایران و مخصوصاً گرجستان علیه تزار روس پشتیبانی خواهد کرد بشرطیکه شاه ایران نیز به انگلستان اعلان جنگ بدهد. یک هیأت نظامی فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان بایران آمد و مورد استقبال گرم و صمیمانه قرار گرفت. ولی در خلال این احوال ناپلئون تغییر سیاست داد و در تیلست در ماه ژوئیه با الکساندر قیصر روس آشتی کرد. در اینصورت هیأت نظامی گاردان دیگر در ایران کاری نداشت ولی ژنرال گاردان با حسن تدبیر و متعاهلی کاردانی عمل کرد و خاطرات خوشی از خود در ایران بیادگار گذاشت و در واقع همکاری و تفاهم بین ایران و فرانسه را بی‌ریزی کرد.

رمانتیک‌ها

در همین ایام شعر و ادب و سرزمین خیال‌انگیز ایران نیز در ادبیات فرانسه ظاهر شد. ویکتور هوگو که با ارنست فوینه ایران‌شناس معروف دوست بود و ترجمه‌هایی از متون ادبی ایران از او گرفته بود اشعار معروف خود بنام «اورینتال» را تحت نفوذ آثار ادبی ایران سرود. وی نیز مانند سمدی بر ایام گذشته تأسف می‌خورد و حال را غنیمت میدانست و می‌گفت که «فصل گل زود گذر است و گل همین پنج روز و شش باشد». در نظر ویکتور هوگو ایران سرزمین تضادهای سخت و «نور و ظلمت» و «خیر و شر» است. در کتاب «افسانه‌های قرون» در هر صفحه باین موضوع بر می‌خوریم که ظلم و ستم زورمندان در برابر ملایمت و مسالمت ضعیفان تاب مقاومت ندارد و بالاخره مغلوب می‌شود.

هارف منشی سمدی و عمر خیام و شور و ذوق اشعار آنها که با استعارات دلنشین خوانندگان را به عالم عشق الهی دعوت میکنند گاهگاهی در اشعار تشوئیل‌گفته که دلباخته خیام بود و در آثار لوکونت دولیل و کونتس دونوآی نیز به چشم می‌خورد:

«نغمه باد صبا که در میان شاخه‌های گل‌سرخ ایران می‌وزد
همراه با زمزمه آب در جویبارهای یاقوت‌فام ...»

کنتس دونوآی درباره زیبایی باغهای ایران چنین می‌گوید:
«در باغهای ایران جام مینای فیروزه‌فام بکف
گوش به آوای دلنشین سازهای ایرانی
روح را پاک و چشمان آهووش را درخشان خواهد ساخت.»

ناپلئون سوم و گوینو

در سال ۱۸۵۴ در بعبوه جنگ کریمه ناپلئون سوم تصمیم گرفت برای مقابله با نفوذ روسیه روابط ایران و فرانسه را که مدتها پیش قطع شده بود مجدداً برقرار نماید. پروسپر پوره که سالها در مشرق‌زمین سمت سرکنسولی داشت در رأس هیاتی به ایران آمد و در سال ۱۸۵۵ اولین عهدنامه دوستی و بازرگانی بین دو کشور را امضاء نمود.

پوره کنت دو گوینو را که منشی مخصوص الکسی دوتوکویل یکی از وزرای امور خارجه فرانسه بود بعنوان تدبیر اول همراه آورد. گوینو که از ابتدای طفولیت عشق علاقه وافر به مشرق‌زمین و شرقشناسی داشت از این فرصت و اقامت در ایران مهد آریائی‌ها که بمقیده او نژاد برتر است بسیار خوشحال شد. در دوره اولیه اقامت خود گوینو کتابی بنام «سه سال در آسیا» نوشت که مملو از نکته‌ها و توصیف‌ها و یادداشت‌های بسیار جالب است. در سال ۱۸۶۱ گوینو

بنوان وزیر مختار فرانسه مجدأ به ایران آمد، و در سفر دوم خود سه کتاب درباره ایران نوشت: «تاریخ ایرانیان»، «ادیان و عقاید آسیای مرکزی»، «داستان‌های آسیای». کتاب اخیر را در استکهلم نوشت و هنگامیکه مشغول نگارش آن بود ریزش برف‌ها تماشا میکرد و افسوس آسمان صاف و شفاف ایران را می‌خورد و به یاد بازارهای رنگارنگ تهران و اصفهان بود. آثار گوینو در ادبیات فرانسه در بین کتابهایی که درباره ایران نوشته شده است از جالب‌ترین و مؤثرترین و عمیق‌ترین آنهاست. وی نه تنها ایران‌زمین را در عالم خیال و تصور دوست داشت و از سفر باکناف آن لذت می‌برد بلکه مانند یک محقق دانشمند در کلیه شؤون آن مطالعه میکرد. در اینجا این گفته سعدی به یاد می‌آید که:

«تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی‌زراست، و رونده بی‌معرفت مرغ‌بی‌پر، و عسالم بی‌عمل درخت بی‌پر، و زاهد بی‌علم خانه بی‌در.»

بی‌پر لوتی هم به ایران سفر کرد ولی سفر او بیشتر جنبه جهانگردی داشت. او میخواست کشور حافظ و سرزمین گل‌سرخ و مینیاتور و قصرهای منقش و مؤذن‌ها و مساجد را ببیند. کتاب «پسوی اصفهان» او مملو از وصف مناظر ایران و جلوه رؤیائی آن است. هارس نویسنده دیگر فرانسوی موفق نشد بایران سفر کند و آرزوی خود را جامه عمل نپوشاند ولی در اثر کماک آقای هانری ماسه مستشرق معروف که تا چند سال پیش کرسی زبان فارسی را در مدرسه السنه شرقیه پاریس برعهده داشت با شعر فارسی آشنا شد و نفوذ سعدی و مولانا و خیام در آثار او بنام «باغی بر ساحل رودخانه اورونت»، و «تحقیق درباره کشورهای شرق» بخوبی ظاهر است.

* * *

از لحاظ سیاسی تاکنون هیچ مسئله غامضی بین ایران و فرانسه وجود نداشته است. از نظر فرهنگی ملتین ایران و فرانسه طی قرون گذشته احساس کرده‌اند که در امور معنوی بیکدیگر نزدیک هستند و تمدن هر دو ملت بر اساس نوع دوستی و آزادی عقیده استوار میباشد. در ایران مانند فرانسه هر کس میتواند مطابق ذوق و سلیقه خود عقاید خویش را بیان کند و نتیجه مطالعات خود را در دسترس دیگران قرار دهد. ایران تنها ایران سعدی و حافظ نیست بلکه مهد شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا و شیخ شهاب‌الدین سهروردی نیز میباشد. در ایران مساجد زیبا و آثار تاریخی باشکوهی چون تخت جمشید به چشم می‌خورد که نمونه ذوق و هنر ایرانیان در ادوار مختلف است.

ذوق و هنر فرانسویان و ایرانیان راههای مختلف می‌پیماید ولی هر دو ملت جوای حقیقت و عاشق زیبایی هستند. همانطور که مرحوم لوتی ماسینیون مستشرق معروف فرانسوی گفته «در باغ ایران منظره دلنشین و رؤیای دلچسب یک متفکر ایرانی همان حوضچه کوچکی است که وی در کنار آن نشسته و در دریای فکر مستغرق میگردد در حالیکه متفکر فرانسوی همان حقیقت را در باغهای دلگشا و افق وسیع و باز ورسای جستجو میکند.

هنر و ادب فرانسه بهمین دلایل روابط دیرین خود را با این ملت باستانی که اکنون راه رشد و ترقی را می‌پیماید ادامه خواهد داد. ملت ایران در عین اینکه از منابع تمدن اسلامی برخوردار بوده خاصیت هند و اروپائی خود را همچنان حفظ نموده و از این لحاظ هم همواره توجه دانشمندان و متفکرین فرانسوی را بخود جلب نموده است.